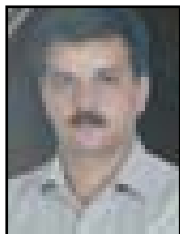


تاریخچه جهانی تشکیلات کارگری

رضا شهابی

یکشنبه اول دی ۱۳۸۷



اولین تشکل های کارگری در انگلستان و در صنوف چاپ و امور ساختمانی و سپس پشم ریشان و خیاطان موجودیت یافت. در امریکا اولین اتحادیه های کارگری در فیلادلفیا، اتحادیه کفشان بود که در سال ۱۷۹۲ به وجود آمد. در سال ۱۸۰۲ اتحادیه های کارگران چاپخانه و نجاران در شهر بوستون، نیویورک و بالتیمور تشکیل شد.

در سایر کشورهای صنعتی نیز سندیکا های کارگری و به دنبال آن اتحادیه های مختلف در صنوف و رشته های مختلف صنعتی ایجاد شد. در سوئد نیز اولین اتحادیه کارگری در چاپخانه ها و سپس در بین کارگران نجار و فلزکار موجودیت یافت. آنچه که در رابطه با شکل گیری این تشکل ها باید مورد توجه قرار گیرد این است که:

- هیچ ارتباط مستقیمی با ماشینی شدن صنعت نداشته اند.
- تشکیل آنها ارتباطی با محرومیت کارگران نداشته است.

تاریخ صنعتی شدن کشورها حاکی از این است که ورود ماشین و جایگزینی آن به جای کارگر، تدریجی و از سالهای ۱۸۲۰ به بعد، ابتدا در انگلستان و سپس در آلمان و به مرور در فرانسه، ایتالیا و آمریکا صورت گرفته و نهضت ماشینیسیم بعد از این سال ها بوده است در حالیکه اتحادیه ها و سندیکا های کارگری عمدتاً در سال های ۱۷۹۰ به بعد به وجود آمد. اولین تشکل ها هم همانگونه که گفته شد در صناعی چون کفش، نساجی، نجاری، و خیاطی که کارگران آنها به لحاظ وضعیت حقوقی از شرایط خوبی برخوردار بودند، شکل گرفت. لذا نه مسئله ماشین و نه محرومیت، نقش موثری در شکل گیری سندیکا و اتحادیه های کارگری نداشتند بلکه توسعه بازار و تجارت و مهمتر از آن توسعه ارتباطات و وسایل حمل و نقل از عوامل عمده شکل گیری اتحادیه های کارگری برای حفظ منافع حرفه ای و بهبود وضع مادی آنها بوده است.

تاریخچه شکل گیری اتحادیه ها و سندیکا های کارگری در ایران:

تا قبل از انقلاب مشروطیت هر چند گرایشاتی در بین کارگران ایران برای ایجاد تشکل های صنفی و به منظور مقابله با بحرانهای اقتصادی، بیکاری، نرخ پائین دستمزدها و رفتارهای غیر انسانی کارفرمایان وجود داشت. اما از لحاظ جو فشار و خفقانی که حکومت های استبدادی وقت ایجاد کرده و هرگونه اجتماع آزاد و تشکیل انجمن را ممنوع اعلام کرده بودند، میتوان گفت که هیچگونه سندیکا یا اتحادیه کارگری به وجود نیامد.

پس از انقلاب مشروطیت، اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران، اولین اتحادیه ای بود که موجودیت خود را اعلام کرد. اتحادیه کارگران صنعت نفت، کفشان، باربران بندر پهلوی و چاپخانه های اصفهان، تشکل های دیگری بودند که پس از اتحادیه کارگران چاپخانه های تهران به وجود آمد. این اتحادیه ها در رابطه با تقلیل ساعات کار روزانه

اقداماتی انجام دادند.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی موجب شد که اتحادیه های کارگری در ایران رو به افزایش بگذارند اما با سر کار آمدن دولت پهلوی، عملاً فعالیت سندیکاها و اتحادیه ها محدود گردید و با قانونی که در سال ۱۳۱۰ به تصویب مجلس رسید، کلیه آنها منحل و تا پایان سلطنت پهلوی اول؛ یعنی تا سال ۱۳۲۰ هیچگونه تشکل کارگری به وجود نیامد.

با اشغال ایران توسط متفقین به دلیل ضعف حکومت های داخلی دو جریان فکری:

۱. کمونیستی و سوسیالیستی با تقویت روسها.

۲. افکار باصطلاح دموکراسی با تقویت انگلیس و آمریکا،

کارگران و کشاورزان کشور را در فضای متشنج و نا آرام آن روز با داعیه وطن خواهی و دفاع از حقوق کارگران به سمت ایجاد اجتماعی تحت عنوان اتحادیه های کارگری سوق داد. اما از لحاظ قدرت سازماندهی و با حمایت کمونیسم بین الملل، حزب توده ایران توانست به سرعت جریانات کارگری ایران را به سوی تشکیل اتحادیه های قوی کارگری سوق داده و با تعلیمات و آموزش های لازم از مجموع این اتحادیه ها، شورای متحده مرکزی را تشکیل دهند. این شورا که به دلیل سازماندهی اعتصابات کارگری ایران و امتیازاتی که برای کارگران تحصیل نمود از مقبولیت زیادی بین کارگران برخوردار بود. این شورا به فدراسیون سندیکایی جهان (F.S.M) که تحت نفوذ کمونیست های بین الملل قرار داشت وابسته بود. در سال ۱۳۲۵، قوام السلطنه برای مقابله با شورای متحده مرکزی کارگران و مقابله با دخالت هایی که این شورا در امور کارخانجات می نمود، سه موضوع زیر را در برنامه کاری خود قرار داد:

اولاً: با تاسیس وزارت کار، کلیه امور کارگری و تنظیم روابط کارگرو کارفرما راجز و وظایف این وزارت خانه قرار داد.

ثانیاً: با تشکیل حزب دموکرات رقیبی در مقابل حزب توده قرار داد.

ثالثاً: با سازماندهی و تشکیل تشکیلات کارگری به نام اتحادیه سندیکاهای کارگران و کشاورزان ایران (اسکای) و با حمایتی که دولت از این تشکیلات نمود هم کارگران ناراضی از شورای متحده و هم کارگران مخالف کمونیسم را در این اتحادیه گردهم آورد و با وابسته شدن به کنفدراسیون سندیکاهای آزاد جهانی (C.I.S.L) از نفوذ و قدرت بیشتری برخوردار شد.

پس از سقوط حکومت قوام السلطنه حزب دموکرات عملاً از بین رفت و در تشکیلات کارگری «اسکای» نیز اختلاف افتاد و در نتیجه انشعابی که به وجود آمد، تشکیلات کارگری جدیدی به نام اتحادیه مرکزی کارگران و کشاورزان ایران «امکا» به وجود آمد.

بازی دولتهای وقت با سندیکاهای کارگری و تحریکات شرکت نفت و نفوذ ایادی بیگانه و سودجویی عده ای فرصت طلب که وابسته به بیگانگان بودند و یا از آنها تعلیم می گرفتند و همچنین تحریکات و تفرقه افکنی های شورای متحده مرکزی کارگران موجب تفرقه بین دو اتحادیه «اسکای» و «امکا» گردید. بر اثر این اختلاف مجدداً در اسکای انشعاب دیگری رخ داد و کارگران راه آهن اتحادیه شورای مرکزی کارگران و پیشه وران و کشاورزان ایران را تشکیل دادند اما با برنامه ریزیهای که توسط حزب توده برای ترور محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۷ صورت گرفت، در تیر ماه ۱۳۲۸ حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی کارگران ایران غیر قانونی اعلام و منحل گردید.

در سال ۱۳۲۹ وزارت کار سعی نمود که بین سه تشکیلات کارگری باقی مانده؛ یعنی «اسکای»، «امکا» و شورای مرکزی کارگران و پیشه وران و کشاورزان ایران ائتلافی ایجاد نماید که موفق نشد و در نتیجه انشعاب دیگری که در اسکای به وجود آمد، این تشکیلات کارگری منحل گردید؛ تعدادی از افراد وابسته به «اسکای» با دو تشکیلات دیگر ائتلاف نمودند و کنکره اتحادیه کارگران ایران وابسته به کنفدراسیون سندیکاهای آزاد جهانی را به وجود آوردند. تعداد دیگری از اعضای اسکای که با این ائتلاف مخالف بودند و سندیکاهای خود را مستقل اعلام کرده بودند، در سال ۱۳۳۰ پس از سقوط کابینه رزم آرا با همکاری سندیکاهای اصفهان و خراسان، شورای سندیکاهای مستقل را پایه ریزی نمودند. عده ای از کارگران توده ای نیز توانستند با ائتلاف سندیکاهایی که در آن عضویت داشتند در همان سال «سندیکاهای هیئت متلفه» را به وجود آورند.

بدین ترتیب عملاً در سال ۱۳۳۰ سه تشکیلات نسبتاً مهم کارگری در ایران وجود داشت:

۱. کنکره اتحادیه کارگران ایران وابسته به کنفدراسیون سندیکاهای آزاد جهانی

۲. شورای سندیکاهای مستقل که تمایل به جبهه ملی داشت

۳. سندیکاهای هیئت متلفه که با حزب توده- که از احزاب غیر قانونی بود- همکاری داشت

تا سال ۱۳۴۳ تعداد ۷۳ سندیکای کارگری در تهران و ۳۸ سندیکای کارگری در شهرستانها تشکیل شد اما پس از اصلاحاتی که در سال ۱۳۴۳ در قانون کار به وجود آمد فعالیت سندیکاها در سطح حرفه و کارگاه محدود گردید. طبق آمار تا پایان سال ۱۳۴۸ تعداد ۲۷۰ سندیکای کارگری و در پایان سال ۱۳۵۳، ۶۱۲ سندیکای کارگری و ۱۴ اتحادیه کارگری و در پایان سال ۱۳۵۷ جمعاً ۱۲۱۶ سندیکا و ۲۶ اتحادیه کارگری فعالیت داشتند.

رضا شهابی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

<http://www.syndicavahed.info>